



مقایسه تطبیقی راهبرد دیپلماسی عمومی چین و ترکیه در آفریقا*

مریم مرادی - دکتر مهدی ذاکریان

دکتر علی صغر کاظمی زند - دکتر محمدرضا دهشیری



u

This is an open access article under the CC BY license (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

چکیده

شرایط جدید نظام بین‌الملل موجب شده است تا مولفه‌های جدیدی ایفای نقش کنند و کشورها برای دستیابی به اهداف و تامین منافع ملی خود، ابزارهای جدیدی را به کار گیرند که از مهمترین آنها می‌توان به بهره‌گیری از دیپلماسی عمومی به عنوان ابزار قدرت نرم اشاره داشت. با توجه به اینکه آفریقا دارای جایگاه مهمی در سیاست خارجی کشورها محسوب می‌گردد، بسیاری از کشورها از جمله چین و ترکیه در تلاش هستند تا از ظرفیت‌های موجود در این قاره در راستای منافع خود بهره‌برداری نمایند و از طریق دیپلماسی عمومی، نفوذ قدرت نرم خود را در این قاره افزایش دهند. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که چگونه چین و ترکیه توانسته‌اند دیپلماسی عمومی خود را در آفریقا ارتقاء دهند؟ در پژوهش پیش رو ابتدا با رویکردی توصیفی - تحلیلی و با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای، به واکاوی دیپلماسی عمومی چین و ترکیه در آفریقا پرداخته شده است. سپس با روش سیستماتیک و تحلیل ماتریس سوات، تلاش شد تا با بررسی داده‌های گردآوری شده راهبردی ارائه گردد که از نوآوری‌های مقاله مذکور می‌باشد. از این رو نتایج به دست آمده دلالت بر آن دارد که چین و ترکیه با استفاده از اقدامات مختلف فرهنگی، اقتصادی، بشردوستانه، آموزشی و ... توانسته‌اند دیپلماسی عمومی موفق‌تری در آفریقا داشته باشند و با استفاده از راهبرد تهاجمی نفوذ قدرت نرم خود را در این قاره افزایش دهند.

کلیدواژگان: آفریقا، دیپلماسی عمومی، قدرت نرم، چین، ترکیه.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری روابط بین‌الملل مریم مرادی با عنوان «دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در آفریقا» و راهنمایی دکتر مهدی ذاکریان است.

— دانشجوی دکتری رشته روابط بین‌الملل، گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

— نویسنده مسئول، دانشیار عضو هیات علمی گروه روابط بین‌الملل، دانشکده هیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. / ایمیل: m-zakeriansrbiau.ac.ir

— استاد عضو هیات علمی گروه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

— دانشیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه.

مقدمه

تحول در مفهوم قدرت که از آن به‌عنوان «قدرت نرم» یاد می‌شود، به عنوان اقدامی جهت بهینه کردن سیاست خارجی کشورها محسوب می‌گردد. همچنین یکی از ابزارهایی که دولت‌ها برای نفوذ بیشتر قدرت نرم مورد توجه قرار می‌دهند، دیپلماسی عمومی است. در شرایط کنونی کشورها تلاش می‌نمایند تا از طریق اقدامات مختلف اقتصادی، فرهنگی و ...، افکار عمومی کشور هدف را با خود همراه سازند و تصویر مثبتی را از خود به نمایش گذارند. این اقدامات سبب ارتقاء دیپلماسی عمومی و تقویت هرچه بیشتر قدرت نرم شده است.

بر این مینا با توجه به ظرفیت‌های موجود در آفریقا، کشورهایمانند چین و ترکیه در تلاش هستند تا از ظرفیت‌های مذکور در راستای اهداف مورد نظر خود بهره‌جویند. لذا استفاده از دیپلماسی عمومی و راهبردهای موثر در این زمینه، مورد توجه کشورهای مذکور قرار گرفته است و در تلاش هستند تا قدرت نرم خود را در آفریقا تقویت نمایند و افزایش دهند.

با توجه به این موضوع، سوال اصلی پژوهش حاضر بر این مینا قرار دارد که چگونه چین و ترکیه توانسته‌اند دیپلماسی عمومی خود را در آفریقا ارتقاء دهند؟ در پاسخ به پرسش مذکور فرضیه این پژوهش دلالت بر آن دارد که چین و ترکیه با استفاده از اقدامات مختلف فرهنگی، اقتصادی، بشردوستانه، آموزشی و ... توانسته‌اند دیپلماسی عمومی موفق‌تری در آفریقا داشته باشند و با به کارگیری راهبرد تهاجمی، نفوذ قدرت نرم خود را در این قاره افزایش دهند.

در پژوهش پیش رو ابتدا با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استفاده از اسناد و منابع کتابخانه‌ای به واکاوی دیپلماسی عمومی چین و ترکیه در آفریقا با استفاده از نظریه قدرت نرم پرداخته شده است. سپس با روش سیستماتیک و تحلیل ماتریس سوات تلاش شد تا داده‌های گردآوری شده مورد بررسی قرار گیرند و راهبردی ارائه گردد، که از نوآوری‌های مقاله مذکور می‌باشد.

۱- پیشینه تحقیق

با توجه به موضوع مقاله، پژوهش‌هایی در این زمینه نگاشته شده است، اما هیچکدام به راهبرد دیپلماسی عمومی کشورهای مختلف در آفریقا و مقایسه تطبیقی آن از طریق روش تحلیل سوات که از نوآوری مقاله می‌باشد، نپرداخته‌اند. در ذیل به چند اثر پژوهشی به صورت مختصر اشاره می‌گردد.

¹ . Soft Power

² . Public Diplomacy

³ . China

⁴ . Turkey

⁵ . SWOT

در مقاله‌ای (۱۳۹۸) با عنوان «راهبرد دیپلماسی عمومی ایران در آفریقا» توسط مریم مرادی که در فصلنامه دانش سیاسی به چاپ رسیده است، اشاره می‌نماید با توجه به اینکه آفریقا از حوزه‌های راهبردی ایران می‌باشد اما ایران نتوانسته است از این ظرفیت به خوبی استفاده نماید. مقاله مذکور با استفاده از مصاحبه عمقی با بیست فرد متخصص در حوزه آفریقا، راهبرد واکنشی را جهت ارتقاء دیپلماسی عمومی ایران در آفریقا پیشنهاد می‌نماید اما به راهبرد کشورهای دیگر در آفریقا اشاره ننموده است.

در مقاله‌ای (۱۳۹۷) با عنوان «قدرت نرم چین در آفریقا» توسط اردشیر سنایی و محمدجواد حسینی که در فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی به چاپ رسیده است، اشاره می‌نمایند که چین با بهره‌گیری از قدرت نرم خود در آفریقا، از جمله فرهنگ و تبادلات آموزشی- فرهنگی، ارائه‌ی کمک‌های مالی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف، توانسته است ضمن جلب نظر مثبت و مساعد افکار عمومی و حمایت دولت‌های آفریقایی، نسبت به ایجاد زمینه‌های پیشبرد اهداف سیاسی و اقتصادی خود اقدام کند. می‌توان مطالب مطروحه را از نقاط قوت این مقاله دانست اما در مقاله به این نکته اشاره نشده است که چین از چه راهبردی برای نفوذ قدرت نرم خود در آفریقا استفاده نموده است.

در مقاله‌ای (۲۰۱۸) با عنوان «دیپلماسی عمومی چین در آفریقا» توسط کیم یون هی، اشاره می‌نماید که دیپلماسی عمومی در سیاست خارجی چین با هدف توسعه روابط اقتصادی نزدیک با کشورهای آفریقایی صورت گرفت و چین دیپلماسی عمومی خود را برای توجیه افزایش نفوذ جهانی خود و از بین بردن تبلیغات منفی در جامعه بین‌المللی به کار گرفته است. اشاره به اهداف دیپلماسی عمومی چین از نقاط قوت مقاله محسوب می‌شود اما نویسنده اشاره‌ای به راهبرد موثر چین در این خصوص نداشته است.

در مقاله‌ای (۱۳۹۸) با عنوان «قدرت و نفوذ ترکیه در آفریقا» توسط مریم خالقی نژاد، اشاره می‌نماید که اولین اقدامات ترکیه در آفریقا، در خصوص سرمایه‌گذاری و کمک‌های بشر دوستانه، تربیت طلاب و یا تاسیس مراکز مذهبی و مساجد بوده است که از این طریق توانست با استفاده از قدرت نرم، نفوذ خود را در کشورهای آفریقایی افزایش دهد. در مقاله مذکور به اقدامات قدرت نرم ترکیه در آفریقا اشاره شده است اما به راهبرد ترکیه در این راستا اشاره نگردیده است.

در مقاله‌ای (۲۰۱۸) با عنوان «قدرت نرم و دیپلماسی عمومی ترکیه» توسط ابراهیم کالین، اشاره می‌نماید که دیپلماسی عمومی جدید ترکیه در حال توسعه قدرت نرم ترکیه در خاورمیانه

¹. Kim Yunhee

². Ibrahim Kalin

آفریقا^۱ است و وظیفه آن این است که داستان ترکیه جدید را برای مخاطبانی در سراسر جهان تعریف کند تا بتواند چهره‌ی مثبتی را از خود به نمایش گذارد و نفوذ لازم را کسب نماید. در مقاله مذکور به چارچوب دیپلماسی عمومی جدید ترکیه در آفریقا اشاره شده است که می‌توان آن را از نقاط مثبت مقاله دانست اما در این راستا به راهبرد مشخص دیپلماسی عمومی ترکیه در آفریقا اشاره نشده است.

۲- چارچوب مفهومی و مبانی نظری

در ابتدا ضروری است به بررسی مفاهیم مرتبط با پژوهش پرداخته گردد، سپس مبانی نظری مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.

۲-۱- مفاهیم اصلی

قدرت نرم: «از نظر نای آقدرت نرم نوعی توانایی است که از طریق جذب دیگران به جای اجبار، رسیدن به اهداف مورد نظر را امکان پذیر می‌سازد» (Nye, 2004).

دیپلماسی عمومی: «آنچه که دیپلماسی عمومی را نه تنها از پروپاگاندا، بلکه از لابی‌گری و روابط عمومی متمایز می‌کند، در دو سویه بود ارتباطی است که براساس متقاعدسازی و گفت‌وگوی دو طرفه صورت می‌گیرد» (Sheikholeslami and soor, 2014: 50). «در این زمینه جوزف نای نیز معتقد است، آنهايي که دیپلماسی عمومی را صرفاً حسن‌تعبیری از تبلیغات می‌دانند به خطا رفته‌اند» (Nye, 2004: 33). «بنابراین ابزاری است که از طریق آن می‌توانیم با افکار عمومی خارج از کشور ارتباط برقرار نماییم و آنها را تحت نفوذ خود قرار دهیم» (Rugh, 2017: ۸). همچنین اقدامات مختلف از جمله؛ برنامه مبادلات آموزشی و فرهنگی، گسترش روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با دولت‌های دیگر از اهمیت زیادی در ساختار دیپلماسی عمومی برخوردار است (Taheri, 2017: 2).

راهبرد: راهبرد نیز به طرح عملیات درازمدتی گفته می‌شود که به منظور دستیابی به یک هدف مشخص طراحی شده باشد. در حقیقت راهبردها سیر تحقق اهداف را مشخص می‌نمایند (Shojaee, 2010: 31).

۲-۲- مبانی نظری قدرت نرم

امروزه قدرت نرم از اهمیت بسیار زیادی برخوردارگشته است و یکی از ابزارهای مهم سیاست خارجی کشورها به شمار می‌رود. «در مفهوم گسترده، قدرت نرم مترادف با قدرت

^۱ . Africa

^۲ . Josef Nye

غیرنظامی است و شامل قدرت فرهنگی و اقتصادی می‌شود» (Nye, 2012: 136). نای معتقد است که به دلیل جهانی سازی و انقلاب ارتباطات، اهمیت قدرت نرم نسبت به گذشته بیشتر شده است (Nye, 2004).

همچنین از نظر وی قدرت نرم یک کشور بر منابع فرهنگی، ارزش‌ها و سیاست‌های آن استوار است. «یک استراتژی هوشمند، منابع قدرت سخت و نرم را با هم ترکیب می‌کند» (Nye, 2008). «قدرت سخت و نرم به دنبال توانایی تأثیرگذاری بر رفتار دیگران برای دستیابی به اهداف خود هستند، اما تمایز آنها هم در نوع رفتار و هم در ملموس بودن منابع است» (Nye, 2004). وی تأکید می‌کند که تعیین دستورالعمل‌ها و جذب دیگران در سیاست‌های جهانی نیز مهم است و فقط این نیست که رفتار دیگران را با تهدید نظامی یا تحریم‌های اقتصادی تغییر دهند. «از این رو سیاستمداران با تنظیم دستورالعمل‌ها و رویکردهای مشخص در تلاش هستند تا با درک متغیرهای بین‌المللی، سیاست‌هایی را در حوزه قدرت نرم اعمال نمایند» (Rothman, 2011). از نظر نای، سیاست‌های یک دولت می‌تواند قدرت نرم کشور را تقویت یا نابود کند. «سیاست‌های داخلی یا خارجی که بر مبنای ریاکاری و بی‌اعتنایی نسبت به عقاید دیگران یا مبتنی بر رویکرد محدود به منافع ملی باشد، می‌تواند قدرت نرم را تضعیف کند» (Nye, 2004). «از نظر وی قدرت نرم مانند سایر اشکال قدرت برآیندی از منابع مختلف است. نای کنترل منابع قدرت نرم را دشوار می‌داند و معتقد است بسیاری از منابع مهم آن خارج از کنترل دولت‌ها هستند و آثار آنها شدیداً متکی به پذیرفته شدن از سوی مخاطبان است» (Nye, 2009: 9-11).

همچنین تأکید می‌کند که منابع قدرت نرم و سیاست خارجی آن، وقتی مشروع تلقی می‌شود که جنبه‌ی اخلاقی داشته باشد. «وقتی فرهنگ یک کشور شامل ارزش‌های جهانی باشد و در راستای آن سیاست‌های قدرت نرم یک کشور موجب ارتقاء ارزش‌ها و منافع مشترک دیگران شود، احتمال دستیابی به نتایج مطلوب را افزایش می‌دهد. نای اشاره می‌کند که با جهانی سازی و گسترش شبکه‌های ارتباطی و با رشد چشمگیر سازمان‌های غیردولتی^۱، دولت‌ها در تلاش هستند تا از این نهادها به عنوان ابزار موثر قدرت نرم استفاده نمایند» (Nye, 2004).

۲-۳- قدرت نرم و ارتقاء دیپلماسی عمومی

در بحث دیپلماسی عمومی، توجه به مفاهیمی همچون قدرت نرم حائز اهمیت است. «در واقع دیپلماسی عمومی از منابع قدرت نرم بهره می‌برد و موجب تقویت بیشتر آن می‌شود. در این رابطه مولفه‌هایی مانند فرهنگ، ارزش‌های بنیادین و سیاست‌ها هرگاه مورد قبول مخاطبین قرار گیرد، ایجاد قدرت می‌نماید» (Dadandish and Ahadi, 2012: 148). «دیپلماسی عمومی به ایجاد چهره

^۱. NGO

مطلوب تر و ماندگارتر از یک کشور در میان مخاطبان بین‌المللی کمک می‌کند و قدرت نرم یک کشور را بیشتر تقویت می‌کند (Fan, 2008). «هرچند که دیپلماسی عمومی سابقه طولانی برای ارتقاء قدرت نرم یک کشور دارد اما نیازمند درک و شناخت جامعه هدف است (Nye, 2008)». «در این راستا دیپلماسی عمومی به عنوان ابزار قدرت نرم، در سطح گسترده ای مورد توجه دولت‌ها و در دستور کار سیاست خارجی آن‌ها قرار گرفته است (Shahrezaee and Shirzadi, 2018: 141)». در چارچوب دیپلماسی عمومی، اقداماتی مانند بورس تحصیلی، تبادلات دانشجویی و ... یکی از شیوه‌های مهم در راستای تقویت و نفوذ بیشتر قدرت نرم در کشور هدف محسوب می‌گردد (Pamment, 2013).

علاوه بر این آنچه در پیوندی نزدیک با قدرت نرم و دیپلماسی عمومی قرار می‌گیرد، تاثیر فزاینده ای است که نقش افکار عمومی در روابط بین‌الملل می‌گذارند. «لحاظ کردن متغیری به نام مخاطب یا همان افکار عمومی، در طراحی و اجرای راهبردهای دیپلماسی عمومی، دارای چنان اهمیتی است که دیپلماسی عمومی بدون این مبحث، دارای ناکامی خواهد شد. از این رو، شناخت مخاطبان دیپلماسی عمومی، تخصیص بهترین ابزار دیپلماسی عمومی به منظور جذب و نفوذ در آنها و ارزیابی واکنش مخاطب در مقابل پیام‌های ما، از اهمیت کلیدی برخوردار است» (Sheikholeslami and noori, 2018: 283-285).

با توجه به مباحث مذکور، کشورهایی مانند چین و ترکیه توانسته‌اند با استفاده از دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از ابزارهای مهم قدرت نرم بر آفریقا تاثیر بگذارند و با توجه به مخاطبان کشورهای هدف، سیاست‌های متناسبی را در چارچوب قدرت نرم در پیش گیرند. اقدامات این کشورها که با هدف تصویرسازی مثبت در اذهان افکار عمومی بوده است، توانسته زمینه برای اقتناع، اعتبار، وجهه بین‌المللی و در نهایت نفوذ بیشتر قدرت نرم را فراهم آورد.

۳- پیشینه تاریخی

حضور تاریخی ترکیه و چین در آفریقا، در گذشته چندان پررنگ نبوده است. «در دهه ۹۰، ترکیه رویکرد نظامی را در سیاست‌های خود در پیش گرفته بود و از نظر بسیاری به عنوان یک جنگجوی پس از جنگ سرد به شمار می‌رفت (Tol and Baskan, 2018)». در پایان دهه ۹۰، ترکیه خواستار گسترش روابط خود با کشورهای جنوب صحرای آفریقا شد. به عنوان اولین اقدام، برنامه ای با نام اقدام برای آفریقا که توسط دولت ترکیه طراحی شده بود، در سال ۱۹۹۸ به تصویب رسید. این برنامه به منظور افزایش تعداد سفارتخانه‌ها در آفریقا، ارتقاء کمک‌های بشر دوستانه به آفریقا و غیره بود (Bcchi, 2017). «با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه در سال ۲۰۰۲، دوره

جدیدی در سیاست خارجی ترکیه ایجاد گردید و این کشور نگاه نظامی گرایانه خود را به دیپلماسی، تجارت و تعاملات فرهنگی داد. از این رو قدرت نرم در سیاست خارجی این کشور در اولویت قرار گرفت» (Nganga, 2018). «اولین برنامه ای که توسط دولت ترکیه در سال ۲۰۰۳ تصویب شد، استراتژی افزایش روابط اقتصادی و تجاری با آفریقا بود. در سال ۲۰۰۵، سیاست باز نسبت به آفریقا به گونه‌ای سازگارتر شد و ترکیه این سال را سال آفریقا اعلام نمود» (Akin, 2018). طی دهه های اخیر، حزب عدالت و توسعه زمینه برای مانور بیشتر در آفریقا را فراهم نموده است و افزایش سفارتخانه ها، تعاملات اقتصادی و فرهنگی، اقدامات آموزشی و بشردوستانه و ... به عنوان ابزارهایی جهت رسیدن به اهداف مورد نظر بوده است.

چین نیز تلاش نموده است تا به عنوان بخشی از استراتژی بزرگ خود با هدف بهره برداری از بازارهای نوظهور، گسترش نفوذ و شکل دادن به حاکمیت جهانی خود، ابتکارات قدرت نرم خود در آفریقا را افزایش دهد. «در دهه ۱۹۶۰، آژانس رسانه ای چین فعالیت خود را در آفریقا آغاز نمود و مجمع همکاری‌های رسانه ای چین و آفریقا تاسیس شد. چین تلاش نموده است تا از طریق رسانه های خود در آفریقا، با روایت های منفی علیه خود مقابله کند. بر این مبنا با تاسیس مجمع همکاری‌های چین و آفریقا در سال ۲۰۰۰ با هدف افزایش قدرت نرم چین در قاره سیاه، بوده است. در سال ۲۰۰۸، اتحادیه آفریقا گفتگوی استراتژیک میان چین و این اتحادیه را با هدف تقویت روابط سازماندهی نمود. در سال ۲۰۱۱ نیز مجمع اندیشکده چین و آفریقا با هدف اتخاذ سیاست‌های مشترک میان اتاق های فکر طرفین تاسیس گردید. همه این اقدامات با هدف تقویت دیپلماسی عمومی چین در آفریقا و نفوذ بیشتر بوده است. بر این مبنا در نوزدهمین کنگره حزب کمونیست چین در اکتبر ۲۰۱۷، رییس جمهور چین ابتکارات چین را قدرت نرم با ویژگی چینی خواند و تاکید نمود که چین در این راستا یک رهبر جهانی خواهد بود» (Nantulya, 2018). امروزه چین فعالانه در تلاش است تا با اقدامات گسترده اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و ... تعاملات خود را با آفریقا گسترش دهد و دیپلماسی عمومی خود را تقویت نماید.

۴- راهبرد دیپلماسی عمومی چین و ترکیه در آفریقا

در زیر یافته‌های مقاله در مورد دیپلماسی عمومی این دو کشور در آفریقا به ترتیب می‌آید.

۴-۱- راهبرد دیپلماسی عمومی چین در آفریقا

¹. FOCAC

². AU

³. CATTF

⁴. CPC

چین از اوایل سال ۲۰۰۰ تاکنون دیپلماسی عمومی را به عنوان بخش حیاتی از سیاست خارجی خود در قاره آفریقا در نظر گرفته است تا بتواند نفوذ قدرت نرم خود را افزایش دهد. «دولت چین دیپلماسی عمومی خود را در کشورهای آفریقایی بر اساس قدرت هوشمند که ترکیبی از قدرت نرم (فرهنگ) و قدرت سخت (مدل چین و قدرت اقتصادی) است، گسترش می‌دهد، زیرا دیپلماسی عمومی چین با پروژه‌های کمک، کمک‌های مالی و ... مرتبط است» (Altman, 2018). لذا دیپلماسی عمومی چین به دنبال ایجاد یک تصویر مثبت از چین است که متکی به حس مشترکی از همبستگی است تا هویت مشترک میان چین و کشورهای شریک آن را ایجاد نماید. «بر این مبنای چین در تلاش است با تقویت روابط دوجانبه و ارتقاء همکاری‌های چندجانبه، زمینه مثبتی برای دیپلماسی عمومی ایجاد کند. در این راستا حضور چهار نسل از رهبران چین در گسترش همکاری و تعاملات چین با سایر کشورها، موثر بوده است. از طرفی حضور حزب کمونیست چین و مدل لنینیستی توسعه، موانعی را برای اقدامات چین در خارج از کشور از جمله آفریقا به همراه داشته است. چین نیازمند اصلاحات سیاسی و اقتصادی است تا بتواند موثرتر عمل نماید» (Cambell, 2017).

چین تلاش نموده است تا با اقدامات مختلف در آفریقا، بتواند تاثیر گذاری بیشتری بر افکار عمومی داشته باشد و در زمینه دیپلماسی عمومی و افزایش قدرت نرم خود، موثرتر عمل نماید، به ویژه آنکه حضور کشورهای مختلف رقیب در آفریقا می‌تواند بر عملکرد چین تاثیرگذار باشد. «برای چین، آفریقا حداقل سه فرصت قانع کننده ارائه می‌دهد. اول، آفریقا یک مکان در حال ظهور برای تولید کم هزینه است. دوم، زیرساخت‌های کم توسعه یافته قاره آفریقا فرصتی عالی برای مشارکت تجاری فراهم می‌کند که از آرمان‌های منطقه‌ای آفریقا و ابتکار کمربند و جاده چینی پشتیبانی می‌کند. سوم، آفریقا با بیش از ۱٫۱ میلیارد جمعیت، یک پایگاه بالقوه بزرگ برای مصرف کنندگان جوان است» (Altman, 2018).

یکی از ابزارهای مختلف چین برای تحقق استراتژی خود در آفریقا، ارائه کمک‌ها است. «چین با ارائه کمک و از طریق دیپلماسی عمومی، تهدید خود را به عنوان یک رقیب اقتصادی در برابر برخی از کشورهای آفریقایی، کاهش می‌دهد و دسترسی به بازارهای آفریقایی را برای شرکت‌های چینی افزایش می‌دهد» (Jafrani, 2018). «کمک‌های چین به هشت دسته تقسیم

¹ . Culture

² . Hard Power

³ . Belt and Road Initiative

می‌شود: پروژه‌ها، کالاها و مواد، همکاری فنی، همکاری در زمینه توسعه منابع انسانی، اعزام تیم‌های پزشکی، کمک‌های اضطراری بشردوستانه، برنامه‌های داوطلبانه و کاهش بدهی. همچنین طبق گزارش AidData، بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۳، بزرگترین بخش کمک چین به آفریقا در حوزه حمل و نقل و ذخیره‌سازی بود که به میزان ۲۹ میلیارد دلار در ۳۶ کشور بود. لازم به ذکر است که پروژه‌های کمک‌های خارجی چین در آفریقا با توجه به حمل و نقل، انرژی و ارتباطات، تقریباً نیمی از کل کمک‌ها را تشکیل می‌دهند. اکثر کشورهای آفریقایی که از کمک‌های سخاوتمندانه برخوردار هستند، از نظر منابع طبیعی بسیار غنی می‌باشند (Wang, 2018).

سرمایه‌گذاری چین در آفریقا در بخش‌های وسیعی از جمله زیرساخت‌ها، آموزش و پرورش و فناوری اطلاعات صورت گرفته است. «حدود ۴۰ درصد از وام‌های چینی برای پروژه‌های برق پرداخت می‌شود و ۳۰ درصد دیگر به نوسازی زیرساخت‌های حمل و نقل ادامه می‌دهد» (Vanmead, 2018).

لازم به ذکر است که دادن وام نیز از ابزارهای مهم چین برای نفوذ بیشتر در آفریقا و پیشبرد دیپلماسی عمومی این کشور است. «از سال ۲۰۰۱ چین ۷۵ میلیارد دلار کمک به این قاره اختصاص داده است» (Pham and Bello, 2018). «بانک جهانی گزارش می‌دهد که بیش از دو سوم اقتصاد آفریقا در حال حاضر توافق‌نامه مالی با چینی‌ها دارند که به توسعه زیرساخت کمک می‌کند. اعطای وام‌های زیربنایی تحت حمایت منابع چینی روش خوبی برای تامین مالی برای کشورهای دارای حکومت ضعیف است» (www.chinaafricarealstory.com).

«در چارچوب دیپلماسی عمومی، چین دارای ظرفیتی برای اجرای طرح‌های بلندپروازانه وسیع‌تر مانند راه اندازی موسسات کنفسیوس و سازمان‌های رسانه‌ای در خارج از کشور است» (https://saiaa.org.za). «از این‌رو شبکه‌های (CIs) که در سراسر قاره آفریقا گسترش یافته‌اند، برای معرفی زبان و فرهنگ چینی به توده‌های آفریقایی طراحی شده‌اند (www.chinafile.com). «چین همچنین ارائه دهنده خدمات تلویزیونی ارزان قیمت و تجهیزات مخابراتی برای دسترسی بیشتر به تلفن همراه را در آفریقا فراهم نموده است» (Okoye, 2018).

«کمک بشردوستانه نیز از دیگر اقدامات چین در آفریقا است که با هدف تاثیرگذاری بر افکار عمومی و پیشبرد دیپلماسی عمومی صورت گرفته است. به عنوان مثال هزینه کمک‌های بشردوستانه چین در سال ۲۰۱۱ حدود ۹۰ میلیون دلار افزایش یافت که ۶۸٫۵ میلیون دلار به بحران ناامنی غذایی در شرق آفریقا اختصاص یافته است و در سال ۲۰۱۴ به بیش از ۵۰ میلیون دلار رسید که در پاسخ به بحران ابولا بود» (Liberman, 2018). «همچنین ارائه کمک هزینه تحصیلی و بورس‌های تحصیلی جهت پذیرش دانش‌آموزان و دانشجویان در کالج‌های چین با هدف

تاثیرگذاری بر اذهان آنان از دیگر اقدامات چین در راستای دیپلماسی عمومی و نفوذ قدرت نرم محسوب می‌گردد. (Jafrani, 2018).

با توجه به مباحث گذشته، برآنیم دلایل موفقیت دیپلماسی عمومی چین در آفریقا را مورد بررسی قرار دهیم. بر این مبنا تلاش شده است تا در ابتدا با توجه به روش سیستماتیک، از مطالب مطروحه کدهای مورد نظر احصاء گردد، سپس بر مبنای داده‌های موجود نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای دیپلماسی عمومی چین در آفریقا با استفاده از روش تحلیل سوات مورد بررسی قرار گیرد و راهبرد مشخصی ارائه گردد.

کدهای احصاء شده از دیپلماسی عمومی چین در آفریقا عبارتند از:

- ۱- تقویت روابط دوجانبه و ارتقاء همکاری‌های چندجانبه، ۲- راه اندازی موسسات کنفسیوس،
- ۳- راه اندازی سازمان‌های رسانه ای، ۴- راه اندازی شبکه‌های CIS برای معرفی زبان و فرهنگ چین، ۵- گسترش شبکه‌های جهانی تلویزیون چین، ۶- گسترش روزنامه های چینی به انگلیسی،
- ۷- ارائه خدمات تلویزیونی ارزان قیمت، ۸- ارائه تجهیزات مخابراتی، ۹- ارائه کمک هزینه و بورس های تحصیلی، ۱۰- دسترسی به بازارهای آفریقایی، ۱۱- فرصت مشارکت‌های تجاری به دلیل زیرساخت‌های کم توسعه یافته آفریقا، ۱۲- حضور مصرف کنندگان جوان در آفریقا، ۱۳- توسعه زیرساخت و توسعه صنعتی آفریقا، ۱۴- صادرات، ۱۵- فعالیت در حوزه های زیرساختی، حمل و نقل، آموزش و پرورش و فناوری اطلاعات، ۱۶- ارائه وام برای پروژه‌های مختلف از جمله برق، ۱۷- ارائه وام با بهره پایین و دوره های بازپرداخت طولانی، ۱۸- پروژه‌های کمک‌های خارجی و کمک مالی، ۱۹- کمک به صندوق تامین مالی آفریقا، ۲۰- اعزام تیم های پزشکی، ۲۱- کمک‌های بشردوستانه، ۲۲- منابع طبیعی غنی، ۲۳- عضویت آفریقا در سازمان‌های بین‌المللی، ۲۴- حضور رهبران علاقمند چین جهت توسعه روابط، ۲۵- فعالیت کشورهای غربی، ۲۶- فعالیت های بشردوستانه، اقتصادی و فرهنگی غربی ها، ۲۷- حضور حزب کمونیست در چین، ۲۸- موانع جهت اصلاحات اقتصادی و سیاسی چین.

پس از احصاء کدهای مورد نظر، تلاش شد تا از ترکیب داده‌های موجود نقاط قوت و ... مشخص گردد. به عنوان مثال در مورد نقاط قوت، از ترکیب بندهای ۳ و ۵، اقدامات رسانه ای و از ترکیب بندهای ۲ و ۴، اقدامات فرهنگی و ... احصاء گردید. همچنین درخصوص نقاط ضعف نیز، از ترکیب بندهای ۲۷ و ۲۸، اصلاحات اقتصادی و ... احصاء گردید. در مورد فرصت‌ها نیز، از ترکیب بندهای ۱۱ و ۱۳، ظرفیت های تجاری و سرمایه گذاری احصاء گردید. درخصوص تهدیدها نیز از ترکیب بندهای ۲۵ و ۲۶، حضور کشورهای غربی در آفریقا و فعالیت های مختلف آنان احصاء گردید. جدول شماره (۱)، بیانگر موارد مذکور می‌باشد.

خارجی	داخلی	
<p>فرصت‌ها (O)</p> <p>۱- عضویت آفریقا در سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای</p> <p>۲- ظرفیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری آفریقا</p> <p>۳- ظرفیت بازارهای رو به رشد آفریقا</p> <p>۴- امنیت انرژی و دسترسی ارزان به منابع نفتی و معدنی</p> <p>۵- ظرفیت اعزام نیروی کار به آفریقا</p> <p>۶- نیاز به خدمات فنی و مهندسی</p> <p>۷- همکاری در حوزه آموزشی و دانشگاهی</p> <p>۸- همکاری در حوزه فرهنگی</p> <p>۹- همکاری در حوزه بهداشتی و درمانی.</p>	<p>قوت‌ها (S)</p> <p>۱- رشد اقتصادی چین</p> <p>۲- حضور ۴ نسل از رهبران چین از ۱۹۶۰</p> <p>۳- اقدامات اقتصادی و بازرگانی</p> <p>۴- اقدامات زیرساختی</p> <p>۵- اقدامات فرهنگی</p> <p>۶- اقدامات رسانه‌ای</p> <p>۷- اقدامات بشردوستانه</p> <p>۸- اقدامات آموزشی و دانشگاهی.</p>	نقاط مثبت
<p>تهدیدها (T)</p> <p>۱- حضور رقبا از جمله کشورهای غربی در آفریقا</p> <p>۲- تکنولوژی برتر غرب در مقابل محصولات بی کیفیت چین در آفریقا</p> <p>۳- گسترش گرایش‌های غربی در برخی از کشورهای آفریقایی</p> <p>۴- فعالیت‌های فرهنگی رقبا</p> <p>۵- فعالیت‌های اقتصادی رقبا</p> <p>۶- فعالیت‌های بشردوستانه رقبا</p> <p>۷- فعالیت‌های آموزشی رقبا</p> <p>۸- فعالیت‌های ضد زیست محیطی چین در برخی از کشورهای آفریقایی</p> <p>۹- دیپلماسی بدهی چین.</p>	<p>ضعف‌ها (W)</p> <p>۱- فقر داخلی و اثرگذاری بر خط مشی‌های کلان</p> <p>۲- نیاز به اصلاحات سیاسی و اقتصادی</p> <p>۳- مدل‌های لینیستی توسعه</p> <p>۴- ساختار کمونیستی.</p>	نقاط ضعف

جدول شماره ۱. تحلیل SWOT

Table No. 1. SWOT Analysis

Source: Authors, Article Findings, 2020

پس از احصاء کدهای مورد نظر از داده‌های جمع‌آوری شده، تلاش شد تا بر طبق تحلیل سوات، ۴ راهبرد نیز مورد بررسی قرار گیرند. با توجه به نقاط قوت چین و فرصت‌های موجود در آفریقا، راهبرد تهاجمی مورد بررسی قرار گرفت. به عنوان مثال از ترکیب بندهای ۱ و ۳ و همچنین بندهای ۸ و ۷ نقاط قوت و فرصت‌ها، راهبرد‌های ایجاد بسترهای مناسب برای صادرات

و ایجاد مکانیسم لازم برای تعاملات آموزشی احصاء گردید. همچنین با توجه به نقاط قوت و تهدیدها، راهبرد رقابتی یا تنوع بخشی مورد بررسی قرار گرفت. به عنوان مثال از ترکیب بندهای ۶ و ۱ راهبرد بهره گیری از ابزار رسانه ای برای خنثی نمودن تبلیغات منفی احصاء گردید. در خصوص راهبرد واکنشی نیز که از ترکیب فرصت‌ها و نقاط ضعف احصاء می‌شود و راهبرد تدافعی که از ترکیب نقاط ضعف و تهدیدها احصاء می‌گردد، به همین صورت اقدام گردید. البته لازم به ذکر است در برخی موارد نیز با توجه به یافته‌های موجود و برداشت اینجانب، عناوین راهبردی مرتبط احصاء گردید. جدول شماره (۲)، بیانگر موارد مذکور می‌باشد.

تهدیدها (T)	فرصت‌ها (O)	
<p>راهبرد رقابتی یا تنوع بخشی (ST)</p> <p>- تدوین برنامه راهبردی جهت رقابت با غرب</p> <p>- بهره گیری از ابزار رسانه ای برای خنثی نمودن تبلیغات منفی</p> <p>- بهره گیری از ابزارهای فرهنگی</p> <p>- بهره گیری از ابزارهای آموزشی و دانشگاهی جهت ایجاد نگاه مثبت.</p>	<p>راهبرد تهاجمی (SO)</p> <p>- ایجاد بسترهای لازم برای صادرات کالا با هزینه اندک</p> <p>- ایجاد بسترهای لازم برای گسترش تعاملات آموزشی</p> <p>- ایجاد بسترهای مناسب جهت همکاری‌های اقتصادی</p> <p>- ایجاد بسترهای مناسب برای همکاری‌های بشردوستانه و بهداشتی</p> <p>- ایجاد بسترهای مناسب برای همکاری‌های فرهنگی</p> <p>- ایجاد مکانیسم لازم جهت واردات منابع انرژی.</p>	<p>قوت‌ها (S)</p>
<p>راهبرد تدافعی (WT)</p> <p>- ایجاد ساز و کاری برای همکاری‌های چند جانبه</p> <p>- ایجاد ساز و کاری برای تضعیف گرایش‌ها به سمت غرب</p> <p>- ایجاد مکانیسمی جهت گسترش فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی و ... جهت مقابله با رقبا.</p>	<p>راهبرد واکنشی یا بازنگری (WO)</p> <p>- تدوین برنامه راهبردی اقتصادی بلندمدت</p> <p>- ایجاد بستری جهت همکاری‌های اقتصادی و زیرساختی</p> <p>- ایجاد مکانیسمی برای حمایت دولت از کاهش ریسک سرمایه گذاری و صدور کالا</p> <p>- ایجاد ساز و کاری جهت بهبود کمک‌های توسعه ای.</p>	<p>ضعف‌ها (W)</p>

جدول شماره ۲. تحلیل SWOT

Table No. 2. SWOT Analysis

Source: Authors, Article Findings, 2020

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته و تحلیل سوات مشخص گردید که چین راهبرد تهاجمی را درخصوص سیاست خارجی خود در آفریقا در دستور کار قرار داده است. از آنجاییکه نقاط قوت و فرصت‌های موجود در آفریقا نسبت به سایر موارد برتری دارد، از این‌رو راهبرد مذکور توانسته است دیپلماسی عمومی چین و قدرت نرم این کشور را ارتقاء دهد و چین توانسته است

موفق تر عمل نماید.

۴-۲- راهبرد دیپلماسی عمومی ترکیه در آفریقا

در پایان دهه ۹۰، ترکیه خواستار گسترش روابط خود با کشورهای جنوب آفریقا شد. «در سال ۱۹۹۸، برنامه ای با نام برنامه اقدام آفریقا به عنوان نقشه راه ترکیه به تصویب رسید. این برنامه به منظور افزایش تعداد سفارتخانه ها در آفریقا، ارتقاء کمک‌های بشر دوستانه، امضاء توافقنامه های تجاری و غیره بود» (Becchi, 2017).

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، تعاملات با آفریقا مورد توجه بیشتری قرار گرفت. «اولین برنامه ای که توسط ترکیه در سال ۲۰۰۳ تصویب شد، استراتژی افزایش روابط اقتصادی و تجاری با آفریقا بود. با این وجود، در سال ۲۰۰۵، سیاست باز نسبت به آفریقا به گونه‌ای سازگارتر شد و سال آفریقا اعلام شد. در همان سال، اولین اجلاس سران ترکیه و آفریقا در استانبول سازماندهی شد» (Akin, 2018). «استراتژی های ترکیه، عمدتاً به منظور گسترش نفوذ و انتخاب تنوع بازار بودند» (Gonzalez and Zengin, 2017). «خطوط هوایی ترکیه نیز اثربخشی آن را در آفریقا به عنوان یکی از ابزارهای قدرت نرم افزایش داده است و اقدامات گسترده ترکیه توانسته است بر ایجاد تصویر مثبتی از این کشور، موثر واقع گردد» (www.worldbulletin.net).

در راستای ارتقاء دیپلماسی عمومی و نفوذ بیشتر قدرت نرم، ترکیه تلاش نموده است تا از طریق نمایندگی های خود، فرصتی برای تعاملات بیشتر فراهم نماید. «در سال ۲۰۰۸، نخستین اجلاس همکاری ترکیه و آفریقا در استانبول برگزار شد. همچنین ترکیه عضو سازمان بین دولتی در مجمع همکاران توسعه آفریقا شد» (Bacchi, 2017). «علاوه بر این ترکیه در سال ۲۰۱۰، یک استراتژی جدید برای تقویت روابط با آفریقا در نظر گرفت و طرح مشترک همکاری های آفریقا و ترکیه برای دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۱۰، به تصویب رسید» (Erdar, 2018). «مطابق تلاش ها برای روابط اقتصادی متقابل، ترکیه توافقنامه همکاری های اقتصادی با ۳۸ کشور آفریقایی را به امضاء رسانده است. طبق گزارش فایننشال تایمز، سرمایه گذاری ترکیه در آفریقا در مقایسه با سایر سرمایه گذاری های مستقیم در این قاره، بیشترین تعداد مشاغل در آفریقا را به خود اختصاص داده است. پیمانکاران ترکیه تا کنون بیش از ۱۱۵۰ پروژه در آفریقا انجام داده‌اند» (Kavas, 2018).

¹ . Africa Action Plan

² . Strategies to Increase Economic and Trade Relations with Africa

³ . IGAD

⁴ . Financial Times

همچنین کمک‌های ترکیه به آفریقا نیز بسیار گسترده و تاثیرگذار بوده است. «رویکرد ترکیه بر مبنای ترکیبی از کمک‌های انساندوستانه و توسعه ای، جامع و بدون اولویت بندی است و حدود ۵۰ درصد از بودجه عمومی توسعه برای پروژه کشورهای جنوب صحرای آفریقا، صرف شده است. در راستای کمک‌های بشردوستانه، از سال ۲۰۱۱ هلال احمر ترکیه به طور موثر در آفریقا فعالیت می‌کند. همچنین از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸، تعداد پروژه‌های بشردوستانه موسسه ایهاها به ۱۳۰ مورد افزایش یافت و آژانس همکاری‌های بین‌المللی ترکیه^۱ نیز در ۲۸ کشور آفریقایی فعالیت می‌کند» (Emin, 2018).

بخش سلامت نیز یکی دیگر از جنبه های مهم کمک‌های بشردوستانه ترکیه به کشورهای آفریقایی است. «ترکیه موافقت نامه همکاری‌های بهداشتی را با حدود ۲۰ کشور آفریقایی امضا کرده است. حضور پزشکان و پرستاران ترک در آفریقا، ارائه درمان در خاک ترکیه برای بیماران آفریقایی، ارائه آموزش های فنی و حرفه ای به وسیله وزارت بهداشت ترکیه، تاسیس بیمارستان و ...، از دیگر اقدامات ترکیه در این زمینه محسوب می‌گردد» (<http://www.worldbulletin.net>).

در حوزه فرهنگی نیز ترکیه فعالیت هایی در آفریقا داشته است. «برای ارتقاء فرهنگ ترکیه، موسسه یونس امره فعالیت خود را در آفریقا ادامه می‌دهد. همچنین کمک هزینه های تحصیلی در سال های اخیر به طور قابل توجهی افزایش یافته است. از سال ۱۹۹۲ نیز آکادمی دیپلماتیک وزارت خارجه ترکیه، ۲۰۰ دیپلمات جوان آفریقا را آموزش داده است» (www.mfa.gov.tr). همچنین در وب سایت تلویزیون ملی ترکیه^۲، برنامه ها به زبان های سواهیلی و هوسا، بخش می‌شوند و آژانس خبری بین‌المللی آنادولای^۳ به صورت گسترده فعالیت می‌نماید» (Akin, 2018).

لازم به ذکر است که سیاست نوعثمان گرایانه ترکیه، شکست های منطقه‌ای، عملکرد آن در لیبی و ارزیابی منفی نسبت به اقدامات آن در مورد کردها، سبب شده است تا چالش هایی برای این کشور ایجاد گردد. نگاه بدبینانه برخی دول آفریقایی به ترکیه درخصوص حمایت از برخی گروه های تروریستی در آفریقا نیز حساسیت هایی را ایجاد نموده است. از این رو ترکیه درصدد است تا با توجه به حضور رقبای آفریقا و بازارهای صادراتی و ظرفیت های مهم اقتصادی و تجاری آفریقا، از طریق دیپلماسی عمومی و ارتقاء قدرت نرم خود، نفوذ خود را در این قاره

^۱ . TIKA

^۲ . Yunus Emre

^۳ . TRT

^۴ . Anadolu

افزایش دهد و از چالش‌های موجود بکاهد.

با توجه به مباحث گذشته، برآنیم دلایل موفقیت دیپلماسی عمومی ترکیه در آفریقا را مورد بررسی قرار دهیم. بر این مبنا تلاش شده است تا در ابتدا با توجه به روش سیستماتیک، کدهای مورد نظر از مطالب مطروحه احصاء گردد، سپس بر مبنای داده‌های موجود نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدهای دیپلماسی عمومی ترکیه در آفریقا با روش تحلیل سوات مورد بررسی قرار گیرد و راهبرد مشخصی ارائه گردد.

کدهای احصاء شده از یافته‌ها درباره دیپلماسی عمومی ترکیه در آفریقا عبارتند از:

- ۱- حضور حزب عدالت و توسعه، ۲- افزایش روابط دیپلماتیک، ۳- افزایش تعداد سفارتخانه‌ها،
- ۴- نقشه راه ترکیه برای بهبود روابط، ۵- سیاست باز، ۶- روابط اقتصادی و فرهنگی، ۷- برنامه اقدام آفریقا، ۸- اعلام سال آفریقا، ۹- برگزاری اجلاس سران ترکیه و آفریقا، ۱۰- حضور سازمان‌های جامعه مدنی ترکیه در آفریقا، ۱۱- عضویت ترکیه در بانک توسعه آفریقا، ۱۲- طرح مشترک همکاری‌های ترکیه و آفریقا، ۱۳- تاسیس شورای تجاری جدید با کشورهای آفریقایی،
- ۱۴- امضاء توافقنامه‌های رسمی تجاری و اقتصادی، ۱۵- استراتژی افزایش روابط اقتصادی و تجاری، ۱۶- صدور خدمات فنی و مهندسی، ۱۷- بازارهای صادراتی آفریقا، ۱۸- سرمایه‌گذاری در آفریقا، ۱۹- ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، ۲۰- کمک‌های بشردوستانه، ۲۱- کمک‌های توسعه‌ای، ۲۲- فعالیت‌های هلال احمر ترکیه، ۲۳- فعالیت‌های موسسات بشردوستانه، ۲۴- موافقتنامه همکاری‌های بهداشتی، ۲۵- حضور پزشکان ترکیه در آفریقا، ۲۶- تحصیل دانشجویان آفریقایی در ترکیه، ۲۷- فعالیت موسسات فرهنگی، ۲۸- کمک هزینه‌های تحصیلی و مالی، ۲۹- ارائه برنامه‌های آموزشی و فرهنگی، ۳۰- فعالیت‌های رسانه‌ای، ۳۱- ایجاد خطوط هوایی، ۳۲- حضور رقبای، ۳۳- عدم سیاست‌گذاری مشخص تا پیش از سال ۲۰۰۲، ۳۴- شکست‌های منطقه‌ای، ۳۵- اقدامات ترکیه نسبت به کردها، ۳۶- عملکرد ترکیه در لیبی، ۳۷- سیاست‌های نو عثمان‌گرایی.

پس از احصاء کدهای مورد نظر، تلاش شد تا از ترکیب داده‌های موجود، نقاط قوت و ... مشخص گردد. به عنوان مثال در مورد نقاط قوت، از ترکیب بندهای ۳ (افزایش تعداد سفارتخانه‌ها) و ۵ (سیاست باز نسبت به آفریقا)، بند اقدامات سیاسی و دیپلماتیک احصاء گردید. همچنین درخصوص نقاط ضعف نیز به همین صورت اقدام گردید. در مورد فرصت‌ها نیز، از ترکیب بندهای ۲۱ (سرمایه‌گذاری در آفریقا و ایجاد شغل) و ۲۲ (حضور پیمانکاران ترکیه در آفریقا)، بند ظرفیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری در آفریقا احصاء گردید. درخصوص تهدیدها نیز از ترکیب بندهای ۴۲ و ۴۳، سیاست نو عثمان‌گرایی و شکل‌گیری نگاه منفی به خصوص در شمال

آفریقا احصاء گردید. در سایر موارد نیز به همین صورت اقدام گردید. جدول شماره (۳)، بیانگر موارد مذکور می‌باشد.

خارجی	داخلی	
<p>فرصت‌ها(O)</p> <p>۱- ظرفیت های تجاری و سرمایه گذاری آفریقا</p> <p>۲- عضویت کشورهای آفریقایی در مجامع بین‌المللی</p> <p>۳- نیاز به خدمات فنی و مهندسی</p> <p>۴- ظرفیت بازارهای آفریقا</p> <p>۵- همکاری در حوزه آموزشی و دانشگاهی</p> <p>۶- همکاری در حوزه فرهنگی</p> <p>۷- همکاری در حوزه رسانه ای</p> <p>۸- همکاری در حوزه بهداشتی و درمانی.</p>	<p>قوت‌ها(S)</p> <p>۱- حضور حزب عدالت و توسعه</p> <p>۲- حضور در سازمان‌های آفریقایی</p> <p>۳- اقدامات سیاسی و دیپلماتیک</p> <p>۴- اقدامات اقتصادی و بازرگانی</p> <p>۵- اقدامات فرهنگی</p> <p>۶- اقدامات رسانه ای</p> <p>۷- اقدامات بشردوستانه و توسعه ای</p> <p>۸- اقدامات آموزشی و دانشگاهی.</p>	نقاط مثبت
<p>تهدیدها(T)</p> <p>۱- سیاست نوحثمان گرایی و شکل گیری نگاه منفی نسبت ترکیه به خصوص در شمال آفریقا</p> <p>۲- نگاه بدبینانه برخی دول آفریقایی درخصوص حمایت ترکیه از برخی گروه های تروریستی در آفریقا</p> <p>۳- حضور رقبا در آفریقا</p> <p>۴- فعالیت های فرهنگی، اقتصادی و ... رقبا</p> <p>۵- ارزیابی منفی برخی دول آفریقایی نسبت به اقدامات ترکیه درخصوص کردها.</p>	<p>ضعف‌ها(W)</p> <p>۱- عدم سیاست‌گذاری مشخص تا پیش از سال ۲۰۰۲</p> <p>۲- عدم سیاست باز نسبت به آفریقا تا پیش از سال ۲۰۰۲</p> <p>۳- تعداد کم سفارتخانه ها تا پیش از سال ۲۰۰۲</p> <p>۴- تمرکز بر محیط داخلی و منطقه‌ای و عدم سیاست چند جانبه گرایی تا پیش از سال ۲۰۰۲</p> <p>۶- شکست های منطقه‌ای.</p>	نقاط ضعف

جدول شماره ۳. تحلیل SWOT

Table No. 2. SWOT Analysis

Source: Authors, Article Findings, 2020

پس از احصاء کدهای مورد نظر از داده‌های جمع آوری شده، تلاش شد تا بر طبق تحلیل سوات، ۴ راهبرد نیز مورد بررسی قرار گیرند. با توجه به نقاط قوت ترکیه و فرصت‌های موجود

در آفریقا، راهبرد تهاجمی مورد بررسی قرار گرفت. به عنوان مثال از ترکیب بند ۲ نقاط قوت (حضور در سازمان‌های آفریقایی) و بند ۲ فرصت‌ها (عضویت کشورهای آفریقایی در مجامع بین‌المللی)، بند ۱ راهبرد تهاجمی (ایجاد مکانیزم مشورتی با کشورهای آفریقایی جهت حمایت از ترکیه در مجامع بین‌المللی) احصاء گردید. همچنین با توجه به نقاط قوت و تهدیدها، راهبرد رقابتی یا تنوع بخشی مورد بررسی قرار گرفت. به عنوان مثال از ترکیب بند ۵ نقاط قوت (اقدامات فرهنگی) با بندهای ۲ (نگاه بدبینانه برخی دول آفریقایی) و ۵ (ارزیابی منفی برخی دول آفریقایی نسبت به اقدامات ترکیه در مورد کردها) تهدیدها، بند ۲ راهبرد رقابتی (بهره گیری از ابزارهای فرهنگی جهت تضعیف نگاه بدبینانه نسبت به ترکیه) احصاء گردید. در خصوص راهبرد واکنشی نیز، از ترکیب بند ۱ نقاط ضعف (عدم سیاست‌گذاری مشخص تا پیش از سال ۲۰۰۲) با بند ۱ فرصت‌ها (ظرفیت‌های تجاری و سرمایه گذاری در آفریقا)، بند ۱ راهبرد واکنشی احصاء گردید. در خصوص راهبرد تدافعی نیز به همین صورت اقدام گردید. البته لازم به ذکر است در برخی موارد، با توجه به یافته‌های موجود و برداشت اینجانب، عناوین راهبردی مرتبط احصاء گردید. جدول شماره (۴)، بیانگر موارد مذکور می‌باشد.

تهدیدها (T)	فرصت‌ها (O)	
<p>راهبرد رقابتی یا تنوع بخشی (ST)</p> <p>- ایجاد مکانیزمی جهت همکاری‌های بیشتر اقتصادی و سیاسی در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی</p> <p>- بهره گیری از ابزارهای فرهنگی جهت تضعیف نگاه بدبینانه نسبت به ترکیه</p> <p>- بهره گیری از ابزارهای رسانه‌ای جهت خنثی نمودن تبلیغات منفی رقبا</p> <p>- بهره گیری از ابزارهای آموزشی و دانشگاهی جهت ایجاد نگاه مثبت به حضور ترکیه در آفریقا.</p>	<p>راهبرد تهاجمی (SO)</p> <p>- ایجاد مکانیزم مشورتی با کشورهای آفریقایی جهت حمایت از ترکیه در مجامع بین‌المللی</p> <p>- ایجاد بسترهای لازم برای گسترش تعاملات آموزشی</p> <p>- ایجاد بسترهای مناسب جهت همکاری‌های اقتصادی</p> <p>- ایجاد بسترهای مناسب برای همکاری‌های بشردوستانه و بهداشتی</p> <p>- ایجاد بسترهای مناسب برای همکاری‌های فرهنگی.</p>	<p>قوت‌ها (S)</p>
<p>راهبرد تدافعی (WT)</p> <p>- ایجاد ساز و کاری برای همکاری‌های چند جانبه</p> <p>- تقویت سفارتخانه‌ها با هدف تعاملات بیشتر و مقابله با نگاه بدبینانه</p> <p>- تقویت سفارتخانه‌ها با هدف مقابله با اقدامات رقبا</p> <p>- ایجاد مکانیسمی جهت گسترش فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی و ... جهت مقابله با رقبا.</p>	<p>راهبرد واکنشی یا بازنگری (WO)</p> <p>- تدوین برنامه هدفمند بلندمدت در خصوص آفریقا</p> <p>- ایجاد بستری جهت همکاری‌های چندجانبه</p> <p>- ایجاد ساز و کاری جهت بهبود زیرساخت‌های اقتصادی آفریقا.</p>	<p>ضعف‌ها (W)</p>

جدول شماره ۳. تحلیل SWOT

Table No. 2. SWOT Analysis

Source: Authors, Article Findings, 2020

با توجه به روش تحلیل سوات مشخص گردید که ترکیه راهبرد تهاجمی را درخصوص سیاست خارجی خود در آفریقا در دستور کار قرار داده است. از آنجاییکه نقاط قوت و فرصت‌های موجود ترکیه در آفریقا نسبت به سایر موارد برتری دارد، از این رو راهبرد مذکور توانسته است دیپلماسی عمومی ترکیه را ارتقاء دهد و موجبات تقویت قدرت نرم را فراهم آورد.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش شد تا با تشریح دیپلماسی عمومی به عنوان یکی از ابزارهای مهم قدرت نرم، به مقایسه راهبرد دیپلماسی عمومی دو کشور چین و ترکیه، پرداخته شود. بر این مبنای تلاش شد تا با استفاده از نظریه قدرت نرم نای این نکته مورد توجه قرار گیرد که کشورها به دنبال افزایش قدرت نرم خود در کشورهای هدف هستند و بنابراین دیپلماسی عمومی نقش مهمی در ارتقاء قدرت نرم کشورها و نفوذ در کشور هدف دارد. از این رو کشورها در تلاش هستند تا در راستای اهداف و منافع مورد نظر خود، از این ابزار به خوبی بهره‌برداری نمایند.

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته، چین و ترکیه توانسته‌اند با توجه به فرصت‌ها و ظرفیت‌های موجود، موفق‌تر عمل نمایند. به نظر می‌رسد چین و ترکیه همپای برخی از رقبای در تلاش هستند، در زمین بازی جدیدی که بویژه از دو دهه اخیر در آفریقا فراهم شده است، جایگاه موثری را برای خود بیابند. از اینرو اقدامات و فعالیت‌های اقتصادی، فرهنگی و ... آنها، ابزاری است که در قالب دیپلماسی عمومی و قدرت نرم تعریف می‌شود تا تاثیرگذاری لازم بر افکار عمومی را داشته باشد و زمینه برای ایجاد چهره مثبت را فراهم نماید.

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر مشخص گردید که دو کشور ترکیه و چین توانسته‌اند با استفاده از اقدامات مختلف اقتصادی، فرهنگی، بشردوستانه، آموزشی و ... دیپلماسی عمومی موفق‌تری داشته باشند. همچنین استفاده از روش سیستماتیک و تحلیل سوات، یکی از نوآوری‌های پژوهش حاضر و به عنوان الگوی جدیدی مطرح می‌گردد که بر مبنای آن راهبرد دو کشور مذکور در آفریقا مورد بررسی قرار گرفت و در نهایت راهبرد تهاجمی به عنوان راهبرد موثر دیپلماسی عمومی چین و ترکیه در آفریقا و نفوذ بیشتر قدرت نرم، مطرح گردید. بنابراین با توجه به پتانسیل‌های این کشورها و اقدامات گسترده آنها در قاره آفریقا، می‌توان شاهد تقویت بیشتر دیپلماسی عمومی و نفوذ قدرت نرم آنها در قاره آفریقا، از طریق راهبرد تهاجمی بود.

References

1. Ahadi, A., Dadandish, P. (2012). The Position of Public Diplomacy in the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Foreign Relations Quarterly*, 3(1), 140-153. **(In Persian)**
2. Altman, M. (2018). Taking China-Africa Trade Relations to New Heights. CHINADAILY, May 5, at: <https://www.chinadaily.com.cn/a/201809/05/WS5b8f2ea0a310add14f389ab8.html>.
3. Akin, M. (2018). Turkey's Multidimensional African Policy Cements Economic Ties with Continent. DAILYSABAH, May 13, at: <https://www.dailysabah.com/economy/2018/10/13/turke>.
4. Bacchi, E. (2017). A Timeline of the Turkish Africa Policy. OVIPO, October 15, at: <https://ovipot.hypotheses.org/13639>.
5. Campbell, J. (2017). Chinese Soft Power in Africa. CFR, January 8, at: <https://www.cfr.org/blog/chinese-soft-power-africa>.
6. China's FOCAC Financial Package for Africa: Four Facts (2018). CHINAAFRICAREALSTORY, March 15, at: <https://www.chinaafricarealstory.com/2018/09/chinas-focac-financial-package-for.html>.
7. Chinese Cultural Diplomacy in Africa (2017). CHINAFILE, April 16, at: <https://www.chinafile.com/library/china-africa-project/chinese-cultural-diplomacy-africa>.
8. Cultural Diplomacy Through China's Year in South Africa (2017). SAIIA, May 11, at: <https://saiia.org.za/research/cultural-diplomacy-through-chinas-year-in-south-africa>.
9. Emin, A. (2017). The Role of Turkish NGOs in Southern Africa. INSAMER, July 26, at: <https://insamer.com/en/the-role-of-turkish-ngos-in-so>.
10. Erdar, T. (2018). [The Effect of Soft Power In The New Public Diplomacy: Humanitarian Aid and Turkey's Practice Worldwide](https://whsturkey.org/articles/the-effect-of-soft-power-in-the-new-pub). WHSTURKEY, May 4, at: <https://whsturkey.org/articles/the-effect-of-soft-power-in-the-new-pub>.
11. Fan, Y. (2008). Soft Power: Power of Attraction or Confusion? [Place Branding and Public Diplomacy](https://link.springer.com/article/10.1057/pb.2008.4). SPRINGER, May 10, at: <https://link.springer.com/article/10.1057/pb.2008.4>.
12. Gonzalez, A. Zengin, H. (2017). A Decade of Opening, Turkey's New International Role in Sub-Saharan Africa and Latin America. REVISTES, April 5, at:

- <https://revistes.uab.cat/tdevorado/article/view/v3-n2-gonzalez>.
13. Jafrani, N. (2018). China's Growing Role in Africa: Myths and Facts. CARNEGIENDOWMENT, May 11, at: <https://carnegieendowment.org/china-s-growing-role-in-africa-myths-and-facts-pub-47140>.
 14. Kavas, A. (2018). Turkey's Africa Diplomacy. DAILY SABAH, January 11, at: <https://www.dailysabah.com/op-ed/2018/10/08/turkeys-africa-diplomacy>.
 15. Kalin, I. (2011). Soft Power and Public Diplomacy in Turkey. DERGIPARK, March 11, at: <https://dergipark.org.tr/en/download/article-file/816442>.
 16. Khaleghinezhad, M. (2019). Turkish Power and Influence in North Africa, *Information Center of the Center for Peace Studies*, Peace-Ipsc Site, October 25, at: <https://peace-ipsc.org/fa/%D9%82%/>. **(In Persian)**
 17. Lieberman, A. (2018). China Emerges as a Serious Player in Humanitarian Aid. DEVEX, March 15, at: <https://www.devex.com/news/china-emerges-as-a-serious-player-in-humanitarian-aid-90974>.
 18. Nantulya, P. (2018). Grand Strategy and China's Soft Power Push in Africa. AFRICANCENTER, August 30, at: <https://africacenter.org/spotlight/grand-strategy-and-chinas-soft-power-push-in-africa>.
 20. Nganga, L. (2018). Turkey's Growing Soft Power in Africa. DILYSABAH, May 11, at: <https://www.dailysabah.com/op-ed/2018/05/11/turkeys-growing-soft-power-in-africa>.
 21. Nye, J. (2012). *Higher Education, Popular Culture and Soft Power*. Translated by Mohsen Rouhani, Tehran: Publications of Emam Sadegh University. **(In Persian)**
 22. Nye, J. (2009). *Soft Power*. Translated by Seyyed Mohsen Rouhani, Mehdi Zolfaghari, Tehran: Publications of Emam Sadegh University. **(In Persian)**
 23. Nye, J. (2004). Soft Power and High Education. CLOUDFRONT, May 14, at: https://d1wqtxts1xzle7.cloudfront.net/36246953/soft_power_university.pdf?1421118513=&response-content.
 25. Nye, J. (2008). Diplomacy and Soft Power. SAGEPUB, March 1, at: <https://journals.sagepub.com/doi/abs/10.1177/0002716207311699>.
 26. Nye, J. (2004). *Soft Power*, Translated by Mohammad Hosseini Moghaddam, *Rahbord Quarterly*, (29), 45-27. **(In Persian)**
 27. Nye, J. (2004). *Soft Power: The Means to Success in World Politics*. New York:

- Public Affairs, ISBN-10 : 1586483064.
28. Okoye, U. (2018). China's Presence in Africa Comes with a New Edge. DIPLOMATICOURIER, October 15, at: <https://www.diplomaticourier.com/chinas-presence-in-africa-comes-with-a-new-edge/>.
29. Pamment, J. (2013). Articulating Influence: Toward a Research Agenda for Interpreting the Evaluation of Soft Power, Public Diplomacy and Nation Brands. SCIEDIRECT, December 17, at: <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S036381113001975>.
30. Pham, J. Bello, J. (2018). Chinese Aid and Investment Are Good for Africa. FOREIGNPOLICY, April 12, at: <https://foreignpolicy.com/2018/08/31/chinese-aid-and-investment-are-good-for-africa>.
31. Rothman, S. (2011). Revising the Soft Power Concept: What Are the Means and Mechanisms of Soft Power?. TANDFONLINE, March 30, at: <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/2158379X.2011.556346>.
32. Rugh, W. (2017). American Soft Power and Public Diplomacy in the Arab World. NATURE, January 10, at: <https://www.nature.com/articles/palcommms2016104>.
33. Sanei, A., Hosseini, M. (2018). Soft Power of China in Africa. *Political and International Approaches*, 10(2), 37-52. **(In Persian)**
34. Sheikholeslami, M., Noori, H. (2017). *Public Diplomacy*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs. **(In Persian)**
35. Shahrezaei, F., Shirzadi, R. (2018). Sport, Politics and International Relations. *Quarterly Journal of International Studies*, 15(3), 117-152. **(In Persian)**
36. Shojaee, H. (2010). Goals and Strategies of Iran's Foreign Policy. *Knowledge Quarterly*, 4(9), 23-40. **(In Persian)**
37. Taheri, M. (2018). European Academic Diplomacy; With Emphasis on the United Kingdom, France, and Russia. *Quarterly Journal of International Studies*, 15(3), 1-16. **(In Persian)**
38. Tol, G., Baskan, B. (2018). From "Hard Power" to "Soft Power" and Back Again: Turkish Foreign Policy in the Middle East. MEI, November 29, at: <https://www.mei.edu/publications/hard-power-soft-power-and-back-again-turkish-foreign-policy-middle-east>.
39. Turkey's Growing Presence in Africa Enters New Phase (2017). *WORLDBULLETIN*,

- May 15, at: <https://www.worldbulletin.net/filebox/turkey-in-africa-h16967>.
40. Van Mead, N. (2018). China in Africa: Win-Win Development, or a New Colonialism?. THEGURDIAN, March 17, at: <https://www.theguardian.com/cities/2018/jul/31/china-in-africa-win-win-development-or-a-new-colonialism>.
41. Wang, Ch. (2018). [Understanding the Top Sectors for Chinese Foreign Aid to Africa](#). BORGENPROJECT, May 18, at: <https://borgenproject.org/top-sectors-for-chinese-foreign-aid-to-africa>.
42. Yunhee, K. (2018). China's Public Diplomacy Towards Africa. ETHESES, May 17, at: <http://theses.dur.ac.uk/1251>.
43. <http://www.mfa.gov.tr/turkey-africa-relations.en.mfa>.

